بادداشت آخر

نگاهی به مسائل روانشناختی اهدای عضو

وقتىشببەپايانمىرسد

روایت یک گیرنده عضو درباره ترویج فرهنگ اهدای عضو



طرح نو | رتبه چهل ودوم در جهان در زمینه اهدای عضو. آماری است که سال ۹۱ از سوی معاون وقت درمان

مرح روز ارسی های بین در سوی سوری و پردیسته سعی مسعود زمادی ست حساس از رسوی مسعود روی مت درسی و آزارت بهداشت برای ایران منتشر شد در شر اطبا که دیسفی خوره رایه شکل عجیبی به دنبال شکستی رکورد اهدای عضو و بت سرد رکتاب جهانی گیشت هستند، اهدای عضو ایرانیان هنوز به مینانگین جهانی یعنی ۵۰ در صداز بیماران مرگ مغزی ترسیده است سال گذشته گیشی اعلام کرده است که هند در رتبه اول اهدا

سدر ساز بیرانیز که سروی خود کردند اتباحات فرد را باهندی ها موفق کنند. البته بخشی از آنها را کسال قرار داشته وفیلیپینی هاد و تلاش بودند تاجای خود را باهندی ها عوض کنند. اینته بخشی از آنها را کسالی تشکیل می دهند که به دلیل کمک مالی عضوی این بدن خود را اهدامی کنند. چه به دلیل کمک مالی و چه به دلایل دیگر، اهدای عضو نیز مانندهر کار خیر دیگری از نظر روانشناختی الگوی خاص خود را دارد.

مهدی حاج اسماعیلی، روانشــناس و استاد دانشگاه می گوید: اوقتی بحث پیوند و اهدای عَضُو پیش می آید باید به مسأله نیاز توجه کنیم انسان دارای ۵نیاز است که عبار تنداز نباز تعلق رنباز به آزادی رقدر ت، بقاه تفریح. نباز بهارستار بیارستی بیاریه بازنگی متارستار معمولا کسی بقا شامل سلامتی، امنیت و پول میشود. معمولا کسی که عضوی از بدنش را اهدا می کندنیاز به بقا دارد. ممکن است به شکل نیاز به پول باشد. کمتر افرادی هستند که صرف انسان دوستی و احساس تعلق و عشق عضوی از خودشان را اهدا کنند. ممکن است فردی که اهدامی کند دچار شكست اقتصادی شده یا برای از دواج نیاز به پول داشته باشد یابه دلیل احساس تعلق و عشقی که به کسی دارد این کار راانجام دهند مثلازن و شوهر به این نتیجه برسند که اگریکی از اعضایشان را به دیگری اهنا کنند به نفع: ندگیشان است.»

۔ ۔ ۔ ۔ وقتی پــای صحبت یــک گیرنــدہ عض

پیامدهایروانشناختی

وجوددارد.اونیز پسازاینکهعض

اغلب پساز گذشت

ىدت كو تاھىممكن اس

مشکلات پس از پیوندرا سهل تریاسخت ترکنند

عنصری از بدن یکی به کار دیگری با کاردیگری با بیاید. قرار است او سلامتی اش را تقسیم کند، نه! بفروشد! سلامتی را معامله می کنند، یک خرید و پیوندعضودرموردگیرندهنیز نے وش و ہمہ چیے از ہمین جا آغاز میشود، چانــه میزنند، به التماس میافتند، گاهی حقهبازی دیگری را دریافت می کندو مى كنند، اما اينها انسان هستند مر دو انسان|نداماً گرفتار که وقتی دچار پیامدهاییشودواینجا همخانوادههامی توانند فقــر» از دری وارد شــد، ایمــان مى گريزد فقر سالامتى، فقر مال ے ہے۔ چه فرقی میکند؟ دهند چه درنی نی صف. محمد محمد عمد المحمد میچ رجه سطی به میردست. وبر عکس. پــس چرا یکی باید غم دیگری را داشته باشد؟ چرا باید در

این ار تباطی که به اجبار ایجاد می شود یکدیگر را دوس فرهنگی، در دنیاز اقتصادی در جامعه؟ نه این که گیرنده ر کی در عرب عضو همیشــه وضع مالی خوبی دارد،نــه، او هم معمولا مجبور است پول قرض کندو تا جایی که می تواند ارزان تر بخرد، این وضع اکثریت است. اما در هر صورت، او خود رامال باختـه می پیند بدون این که فکـر کند در مقابل چُه می گیرد و آن یکی آینده خود را تیره و مبهم و بدون سلامتی کامل. و هر دو در جهل اما چه می کند کلمهای که کمتر به آن میاندیشند: اخلاق و احترام برخاسته از

این مسأله بعد دیگری هم دارد که می تواند رونداهدای عضورا ساده تر یا مشکل تر کند. حضور خانواده ها به ویژه خانواده های دهنده عضو در مواردی که خود فرد دچار م گ مغزی شده و آنها باید تصمیم بگیرند بحث بر س را کردن آنهاست که عضوی از عزیزشان را به دیگری راضی کردن آنهاست که عضوی از عزیزشان را به دیگری اهداکنند.باوجودی که کارت اهدای عضو کموبیش بین ر ۱۰٫۰ کی مردم جاافتاده است اماهم چنان نمی شود مسأله رضایت خانواده را نادیده گرفت. مهدی حاج اسماعیلی در این یاره می گوید: «برخی) ز افراد سعی می کننداهدای عضوشان رااز اطرافیان و خانواده شــان مخفی نگه دارند در جامعه ما در حال حاضر هم فرد اهدا کننده و هم فرد گیرنده در یا در سال مساور می افزایت این کار را می کنند. انجمه مهدی و پاسخ به نیاز بقاو امنیت این کار را می کنند. انجمه مهدی و روانشناس نیز اعتقادات خانواده ها را در تصمیم گیریشان

موثر میداند. او می گوید: «در موار دی که خانواده تصمیم گیرنده است به اعتقادات شخصی افراد برمی گردد. اگر به این اعتقاد داشته باشند که عزیزشــان را با بدن سالم دفن کنند، نمی گذارند عضوی از او اهدا شُود. چون فکر می کنند که آن فرد آرامش نــدارد و اگر خانوادهای بدون رضایت عمیق قلبی اعضای یکی از عزیزانش را اهدا کند بعدها ممکن است مشکلاتی برایشان به وجود بیاید. اما

اگر رضایت داشته باشند، احساس خوشایندی در آنها ایجاد خواهد شد زیرا باعث حیات شخص دیگری شدهاندو این احساس را هم دارند که روح کسی که اکنون به زیر خاک رفته

رکی به آرامش می رسد.» مساله رضایت خانواده در جوامع دیگر نیــز مــورد توجه بوده اسـ " ر" ر" ر" ر" چنانچه در اسپانیابا وجسودی که قانونی مبنی بر این که رضایت خود شــُخص برای اهــدا کافی اســت دُر مجلس مطرح شد و رأی اعتماد آورد، بهدليل مشكلات احتماعي كهممكن بود چنین قانونی ایجــاد کند، هنوز رضایت خانــواده شــرط لازم اهدای

پورها هستون بیزمان این که وجدددارد.اوندا نیسز پـساز این که عضو دیگـری را دریافت می کند و اغلب پس از گذشت مدت کوتاهی ممکن است دچار پیامدهایی شود عضو فرد متوفی است. جدای از احساسی که خانواده در مورد اهدای عضو دارد و می تواند تعیین کننده باشد، احیال است احُســُاس خود فردنیز در پیامدهای اهــدای عضو موثر است. حاج اســماعیلی که تجربه روانکاوی مراجعانی با سابقه پیوند عضو را داشته از تجربیاتش چنین می گوید: «موردهایی را مشاهده کردهام که بعد از اهدا احساس عاطفی خاصی با گیرنده برقرار کردهاند و حس کردهاند که آن فرد هم از خودُسُانُ استُ و سلامُتی او برایشان مهم است و آن فرد برایشان اهمیت دارد. نکته ظریف این بیون کے پرداخت کردہ به آن عضو بهعنوان یک شہے، پولی کے پرداخت کردہ به آن عضو بهعنوان یک شہیء نگاہ می کند و رابطهای انسانی و احساسی با طرف مقابل ندارد. البته این همبستگی به نوع ار تباط اولیه این دو با هم برمی گردد و این که چگونه به هم معرفی شدهاند و با هم قرار داد بستهاند. ممكن است چک و چانه هايي هم در میان بوده باشد، معمولا در این موار دبعد از ۷۰۶ ماه رابطه این دوقطع می شود. یک دلیل این است که فر داهدا کننده

یں رہے ہیں ہے ہیں۔ ممکن است به دلیل این که با دادن عضوش برای دیگری سلامتی ایجاد کردہ است انتظار آتی مادی از او داشته

باشد.نوعی چسبندگی کهباعث شودطرف مقابل واکنش طرد کنندگی داشته باشد.اگر هر دوطرف از سطحی از

روابط انساني برخوردار باشند كه صرفًا به تحصيلات

روب سطی بر خوردر بست. مربوط نمی شود،باعثمی شودانتظار انجیش از حدشکل نگیردواین احساس انتظار بیش از حدبه وجود نیاید،

مسأله، ضابت خانوادود، . جوامعدیگرنیزمورد ٌتوجه بودهاست. چنانچه در اسیانیابا . وجودی کهقانونی مبنی براین که رضايت خودشخص براى اهدا ر ... کافیاستدرمجلسمطرح شدورأیاعتماد آورد،بهدلیل مشکلات اجتماعی کهممکن بودچنین قانونی ایجادکند، هنوز رضابت خانواده شرط لازم اهداى عضوفر دمتوفى است

> ر سی کار پیوندراسهل تریاسخت تر کنند. به گفته نجمه مهدوی افرد گیرنده اولین بازی که پس از عمل به ۔ سب بہوری مرح سے بیرت ویں پیاری کے بس ر سل بہ هوش می آیداز سلامت خودش بسیار خوشحال است. بعد از مدتی ممکن است دچار احسـاس دو گانگی شود. انگار که خودش نیست.البته این مسأله بستگی به عضو اهدایی دارد. وقتی عضو پیوندی قلب باشداین حس بیشتر است. کمکم فرد وارد مرحله پذیرش می شود و حیات دوبار ماش باعث انگیزه بیشستر بسرای فعالیت و تلاش او می شسود. گاهی هم خانوادهها در مورد پذیرفتن عضو دیگران دچار سمی عجم صوبت در مثلا این که این قلب چه کسی است وسواس می شـ وند. مثلا این که این قلب چه کسی است که قرار است در جســم یکی از اعضای خانوادهشان باشد. چون فکر می کننداحساسات خوب و بدهم باقلب منتقل

اماوقتی از گیرنده عضو ناشناس می خواهیم که در مورد مقاصد اهداکنندگان صحبت کند، می گویسند ۱۰ در میان این همه آدم معامله گر، هستند آنها که یکدیگر را به عنوان

ـــان مى فهمند، این مى داند که سلامتى اش را مدیون

وست و آن تمام عشق و احترام این را از آن خود می بیند،

اين هم معاملهای است؟ شايد آما چه معامله زيبايی، معامله عشق و احترام متقابل اين نتيجه رابطه دو انسانی

هر دو نگران هم و همیشه یار هم،

کے به نیاز معنوی، دیگری هم به

یاز معنوی کهاین جاپول هم جهت

دیگری می یابد. پول باعشق عجین شده است، پیامدهای روانشناختی پیوند عضو در مصورد گیرنده نیز

رابطه دارندو دراين شرايط ممكن است گيرنده هر چند قت یک بار به اهداکننده کمک مالی کند بدون این که و انتظاری داشته باشد. مهم ترین مساله برای ش گرفتن حنین رابطه انسیانی این است که قبا راز اهدا مرسی پدین رجه مستقی بین سخت بین برخوردار باشند. هر دوطرف از مشاورههای روانشناسی برخوردار باشند. بایداین احسـاس در گیرنده بهوجــود بیاید که درحال ... "ای است خریدن عضو نیست و بایدرابطه انسانی عاطفی دوطرف حفظ شوده

رسانه ها در تلاش هستند تا مسائلی چون اهدای ے عضّـو را که کمک بــه حیات انســاتی دیگر اســت در جامعه جابیندازند. این موضوع جذاب گاهی دستمایه جسته جبینتارده یی موسع جنب تعلی نسسته برنامههای تلویزیونیی و فیلمهای سینمایی نیز قرار می گیرد امامسأله مهم توجه سازندگان این برنامهها به واقعیتهای علمی است که مسأله اهدای عضو را زیر جمه مهدوی می گوید: « در همه این موارد فرهنگ سازی از طریق رسانه ها و به خصوص رادیو و نلویزیون می تواند خیلی موثر باشد وقتی نشان بد ئه کسے باعضو جدید حیات نویے به دست آورده

است بر عموم تأثیر می گذارد. این روزها می بینیم که افراد خودشان کارت اهـدای عضومی گیرند که اگر اتفاقی برایشان افتاد اعضایشان اهدا شود باید زندگی آدمهایی را که م توانند باگ فت یک عضو : ندگی ی ری بر ت دوبارهای داشته باشند نشان بدهی و دیدگاهشان را نسبت به زندگی ر ... ر دوباره بدانیم احساس رضایت آن فرد می تواند خیلی تاثیر گذار باشد.این که مثلاً بُبینیم از به دسُت آوُردن زندگی دوباره اشـک شـوق در چشمانشان نشسته در دیدگاه حامعه نسبت به اهدای عضوموثر است.» توجه به احساس واقعی کسانی که

و دوست داشتن اسـت. کمی بیندیشیم کدامیک از ما در عاطفی ترین روابطمان معامله نمی کنیم؟ شــرم آور

ست؟ معلّمی از شاگردانش پرسید چگونه تشخُ

هريكاز أنهاچيزي گفتُ يكي گفُتُاسيًاءراببيني

ر" دیگری گفت سپیدی سپیده معلوم می کند و اما معلم گفت: نه بچهها هر گاه غریبــهای را دیدیــد و او را برادر

خود پنداشتيد آنُ زمان شب به پايان رسيدهُ و رُوز أَغازُ

ں پر سید چمونه تشخیص ب به پایان رسسیده و روز آغاز شده است؟ صدی گفت ک

, و دوست داشتن اسـ

مىدھىدش

واين جاهم خانواده هامي توانند چنین تجربههایی دارند می تواند به این فرهنگسازی کمک کند. گیرنده عضوی که در این گزارش از ما خواست ناشناس بماند درباره ترویج فرهنگ اهدای عضو می گوید: ۱به نظر می رسداگر انسان ها، دیگری را بیگانه ندو یکدیگر را بفهمندو دریابند که جز با پذیرش ۰۰۰ ر ۳۰۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ ۱۳۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ در ۲۰۰۰ در در همچوار تا در همچوارهای رنجی باشند، هر گزدر همچ معاملهای و در همچرابطهای رنجی و دانش آموز، هر دو همسایه و سور دوانسان می پینیم. باور کنید مسأله ما مسأله دهنده و گیرنده عضو نیست. مسأله مامسأله انسان است. مسأله اخلاق، مسأله احترام شودكه آین از نظر پزشكی درست نیست و یک مسأله

۔ ہر کے دام از ایس پیامدھا ہے توجہ ہے ویڑ گے ہای شخصیتی و هدفی که شخص از اهدای عضو دارد، می تواند تغییر کند.فردی که در شرایطی رشد پیدا کرده بی ر باشد که احساس کند می تواند با اهدای عضو به دیگری حیات ببخشـد با کسی که به دلیل مشـکلات، اهدای ت در به این مرنوشت دردناک می پذیـرد به این پذیده به شکل متفاوتی نگاه می کند و همین می تواند حتی شـکل رابطه دو فرد یا خانواده گیرنــده و دهنده سی مصافی رست و طرح یا حکومت میرست و معاویدی عضو را شکل دهد. مهدی حاج اسـماعیلی می گوید: ابعضی ها هم هستند که بعداز پیوند عضو سال ها با هم

مواهبداوطلبي

افسائه سرخابي عضو گروداهداي عضو هلال احمر



همیشــه به ایــن موضــوع فکر می کــردم که حبتهایی که در باب کارهای خیر میشود به چه معنی است ایا همان طور که می شنوم راحت و سهل الوصول است یعنی می شنوم فلان کس اعضای خود را اهدا کرده است یا بارها شنیده ام که كساني كليه خودرابه ديگران اهدا كردهاند.خوب زمانی که این مطالب را از اخبار یا انسان های دیگر در این سازمان آغاز کردم متوجه شدم که کار خیر یا فعالیتهای داوطلبانه ای که در امور خیر مورد استفاده است این قدرها هم آســـان و قابل دس یابی نیست اول از همه شما باید باروح خود تان کنار بیایید بعضی از ما در مسائل روز مره مان بار ها شده که از افراد گوناگون درخواستُهایی داشته ایم که بیشتراین درخواستهادرباب مسائل مالی یاشاید بعضی َاوقاتَ همروحی بوده باشد. اما کسی راندیده ام که جانتان را بخواهد اما عقیده دارم انسان زمانی ممكن است به اين نقطه نيز دست يابد كه بتواند جانس را هم به دیگری بدهدو من به این نقطه رسیده ام. من مجرد هستم و مادر و پدرم اعتقادی رسید ۱۳۳۰ می برخت اهدای عضو ندارند امامن به مهارین رفتار یابحث اهدای عضو ندارند امامن به صورت مستقل به این فکر افتادم که به عنوان یکی از انسان هایی که در این کره خاکی زندگی می کند

به گردن افراد دیگر حق دارم و کسان دیگر هم به

گردن من حق دارند من همیشه یک خاطره ای در نهن دارم که در همین زمان هم بامن هم مربوط به دایی ام می شود. من یک دایی دارم که مشکل کلیه داردو مجبور است هر چندروز یکبار دیالیز شوداز این بابت خیلی ناراحت هستم و بارهاً به خودم گفته ام که چرا کسی نیست که به او کمک کندو حامی وی باشد. این موضوع نیز در و سب سدو صمی وی به سداین موضوع بیز در نهایت تاثیر بسزایی روی من گذاشت و به همین دلیل هم دوست ندارم هیچ کسی شرایط دایی امرا تجربه کندورنجبکشد.

عقیده دارم حداقل کاری که یک انسان می تواند در زندگی خود انجام دهد این موضوع آس که افرادی که دربستربیماری هستندرااز غم کمبود اهدای عضو رها ساخته و احتیاج آنها به عضور امر تفع ساز دوبه آنها کمک کند. همیشه فکر می کُردم که انسان ها برای کمک به یکدیگر ے رسی عرب کے مصطورت برای ہے۔ باید وضعیت مالی قابل قبولی داش از نظر مالی یکدیگر را ساپورت کنند اما دیدم شاید پشتیبانی مالی یکی از راهها باشد و نه تنها راه ممكن. من از نظر شــرايط مالى اين موقعيت راً نداشتم پس فکر کردم با عضویت در سازمان هدای عضو بتوانم ناراحتی شاید یک نفر را بعد از مرگم برطرف کنم والبته شمکی نیسز در این ر مر سے پرطرت عمو و بیت سسمی بیسر در ہیں موضوع نیست که مواهب تمامی رفتارهای خیرخواهانه یا داوطلبانه مادر زندگی خودمان نیز

ذرەبين

عذرخواهي

سال ۱۹۸۷، کره جنوبی مادری در برابر نیروهای امنیتی سر خم کرده است و از آنها معذرت خواهی می کند تا پسرش را که

